

مساجد تاریخی

مسجد و مدرسه امامیه

اصفهان

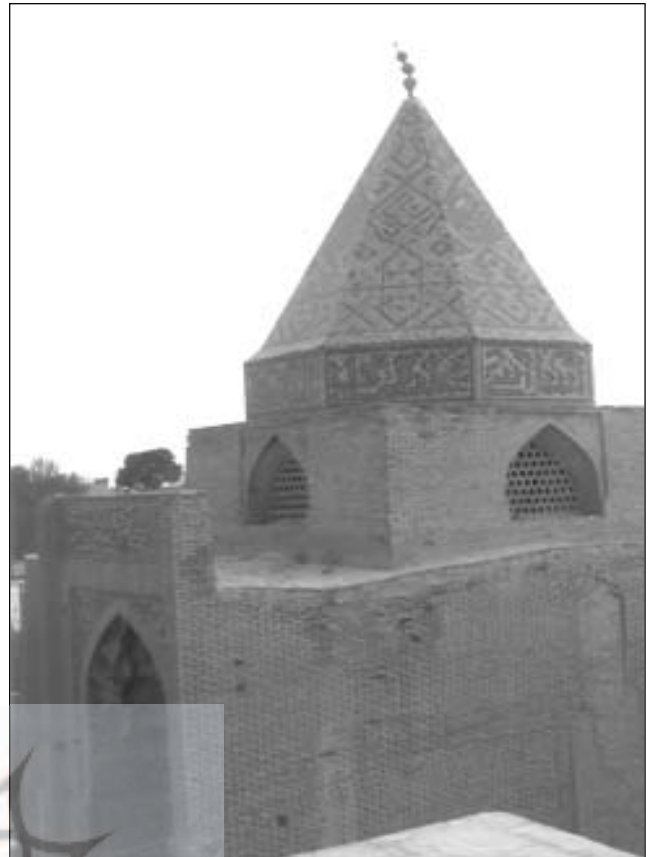
محمد حسین ایران نژاد
کارشناس ارشد

مقدمه
پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هجوم مغول به مرزهای ایران در سال ۶۱۶ ه. ق و تبعات بعدی آن، آنچنان در خاطره تاریخی مردم ما ماندگار شده است، که نام مغول را مساوی با خونریزی، کشتار و مرگ می دانند. اگر بخواهیم از چشم انداز حقیقت جویی به شناخت پدیده مغول برآییم و از چشمان نافذ ابن اثیر بنگریم، شاید تا حدودی به ماندگاری این خاطره دیرپا واقف شویم. وی می گوید: «اگر می گفتند که از زمان خلقت آدم ابوالبشر تاکنون، جهان چنین مصیبتی را به خود ندیده، درست گفته بودند؛ زیرا تاریخ چیزی که شبیه به این و نزدیک به این باشد، نشان نمی دهد. . . . شاید آخر الزمان مردم چنین وقایعی را دیگر نبینند. حتی دجال کسانی را که مطیع وی گردند، امان می دهد و فقط کسانی را که در برابر او پایداری کنند، نابود می سازد. ولی اینان به هیچ کس رحم نکردند و زنان و مردان و کودکان را کشتند، شکم زنان باردار را دریدند و جنین کشتند» [ابن اثیر، کامل، ج ۲۶، ۱۲۵-۱۲۶].

پذیرفتند دوری، هنر اسلامی، ۱۰۳]. معماری دوره سلجوقی و مغول از جهت اوضاع و موقعیت بروزشان، با هم شباهت دارند. دو تمایل دینی در معماری دوره سلجوقی و ایلخانی، انعکاس خود را نشان می دهد؛ یکی، رغبت و تعلق خاطر به تصوف و عرفان اسلامی، و دیگری محبت و اخلاص به امامان و امامزاده ها. در دوره سلجوقیان و همچنین ایلخانان، ساختمانهای دینی از قبیل: مساجد، مدارس، زیارتگاهها و مقابر بر ساختمانهای غیر دینی ترجیح داده می شد. اویلبیر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۳۳- ۳۶].

با آنکه معماری دوره ایلخانی از دوره پیش از خود بهره گرفت، لیکن معماری ایلخانی (مغول) ویژگیهای مخصوص به خود نیز دارد که در بسیاری جهات نو می باشد. هر چند در ساختمانهای مغولی، مقیاسهای بسیار بزرگتری به نسبت پیشین به کار رفت اما در عین حال با تقسیم کردن بعضی عناصر ساختمانی مانند: جرزهای گوشه ای، طاقنماها و دریچه ها، بناها بسیار بزرگتر نیز شد. اجزای ساختمانی چند برابر گردید، که هر یک دارای عملکردهای مختلف بود. به طور کلی، از حجمهای توپرکاسته شد، و به فضاهای خالی افزوده گردید. همچنین، روشنی بنا بسیار زیاد شد، و نظام نورگیری تنظیم بهتری یافت. ساختمانها مرکبتر، طرز ترکیب و اتحاد آنها با یکدیگر خوبتر، و جزئیات ظریفتر شد. نقاط، تعدیل یافت و عملی تر شد. به علاوه، گنبدها که معمولاً دو سوم قسمت فوقانی بنا را تشکیل می دادند، با لطافت بیشتری با بنایی که در زیر آنها قرار گرفته بود، پیوند یافتند. سه کنجهای خشن سلجوقی که نیرومندی آنها مستقیماً آشکار بود،



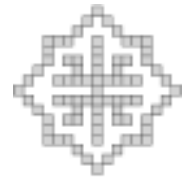
براستی، چه عنصری آن خوی خشونت را رام ساخت، و بر افسار گسیختگی مغولان لگام زد؟ چه چیزی دست ویرانگرشان را به آبادانی و ساختن واداشت، و آنها را مشوقان فرهنگ و آثار فرهنگی ساخت؟ به یقین، تأثیر فرهنگ اسلامی بر مغولان، مهمترین عنصر این استحاله است که تاکنون، مطالعه جدی و فراگیری بر روی آن نشده است.

چیزهایی هست، که دگرگونی حال مغولان از آن شکل نخستش به شکل بعدی را نشان می دهد. از میان آن چیزها، آثار معماری است که در گوشه و کنار سرزمین ایران و دیگر کشورها وجود دارند. این آثار بیانگر روحیات مغولان نیست، بلکه بازگوکننده تأثیر فرهنگی است که بر مغولان چیره شده، مقهورشان ساخت، و در عین حال افتخار پدید آمدنشان را به مغولان داد.

معماری در عصر مغول

سه دوره بزرگ در معماری ایران پس از اسلام، قابل بررسی و تعمق زیاد است دوره سلاجقه (۴۲۹ ه.ق)، دوره مغول (۶۵۴ - ۷۴۴) و صفویه (۹۰۷ - ۱۱۴۸). این سه دوره، مدیون دوره های پیش از خود و اثرگذار بر دوره های پس از خود است. آثار معماری دوره مغول، مرحله ای از تاریخ پیوسته معماری ایران است، و اشکال دوره های قبل و خصوصیات طرح و جزئیات آنها را منعکس می کند. سبک معماری دوره مغول، مستقیماً از سبک ساختمانی دوره سلجوقی اقتباس شده است. اویلبیر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۳۳]. معماران این دوره به طور کامل، آنچه را که سلجوقیان به طور سنتی توسعه داده بودند،





با استادی اصلاح گردید. خلاصه آنکه، در دوره مغول حساسیت برای ایجاد موزونی، تناسب و ظرافت در کلیات بنا و ترکیب موزون و تزیینی - که با هوشمندی طرحریزی شده و به طرز کامل به اجر در آمده بود - اساس کار آنها محسوب می شد؛ پوپ، معماری ایران، ۱۳۲].

به نظر می رسد که ساختمانهای مغولی، بر اساس طرح و نقشه قبلی پدید می آمدند؛ ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۴۵]. این طرح و نقشه، با توجه به موقعیت محیطی، جغرافیای طبیعی و انسانی، و خصوصیات روحی مردم هر ناحیه بود، که بناهای مغولی را در ساختاری متفاوت و با مصالح گوناگون پدید آورد؛ ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۱۱۰ - ۱۳۰].

اصلی ترین مصالح، آجر بود : از آنجا که آجر پایدارتر و ارزاتر از سنگ بود، ساخت بنا را سرعت می داد. همچنین، به خاطر نرمش، نیروهای فیزیکی مؤثر در بنا را خیلی زود آشکار می کرد که برای ایجاد حجم از آن استفاده می شد؛ پوپ، معماری ایران، ۱۳۹]. از دیگر مصالح رایج در آثار دوره ایلخانی، گچ بود که علاوه بر تزیین، در ساخت بنا از آن سود برده می شد؛ مرشیدی، معماری ایران، اجزای ساختمان و مصالح سنتی، ۱۲۵]. همچنین، چوب در بناهای پیش از ایلخانان و بعد از آنها، متداول بود. منظور از استعمال چوب، آن بود که ساختمان را به هم نگاه دارد، و در مقابل خطر و آسیبهای احتمالی زلزله از بنا حمایت کند. فایده دیگر آن، این بود که از فرو نشستن ناگهانی بنا، روی پی خود جلوگیری کند؛ ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۵۷]. کاشی که از پیش متداول شده بود، در آثار دوره ایلخانی به عنوان یکی از مصالح تزیینی کاربرد فراوان داشت. طرحهایی که بر روی کاشی نقش می شد، عناصر روش طبیعی را عمدتاً در برداشت. از ویژگیهای ممتاز این کاشی، آن بود که تزیینات برجسته و رنگ و جلا بر روی آن ترکیب می شد. این شیوه سابقاً مخصوص حروف و کتیبه بود؛ دیمانند، راهنمای صنایع اسلامی، ۱۱۸].

تأثیر معماری مغول بر معماری دوره های بعد

معماری دوره مغول، جلا و شکوه جدیدی بر شهرت هنری ایران افزود. معماران ایرانی در آن عصر، به آسیای غربی رفتند نخست برای سلجوقیان آناتولی (۴۷۰ - ۷۰۰ ه. ق) و سپس برای عثمانیان (۶۹۹ - ۱۳۱۱ ه. ق)، مسجد و مدرسه ساختند. آنان در سمرقند و بخارا، بناهای باشکوه و مجلل به وجود آوردند، که هنوز بینندگان را متحیر می سازد. در سوریه و مصر، مهارت و نیروی تصور و تحیل آنان، به طور شگفت آوری در ساختمانهای آنجا به کار برده شد؛ پوپ، هنر در گذشته و آینده، ۲۲ - ۲۳].

مدرسه امامیه

شهر اصفهان، همیشه قرین نام صفویه بوده است. اما این، تنها گوشه ای از شناسنامه اصفهان است. در اطراف میدان کهنه اصفهان، آثاری وجود دارد که به لحاظ معماری، از برجسته ترین آثار معماری ایران از دوره های مختلف است؛ همچون: مسجد جامع اصفهان، بازار جنب مسجد جامع، امامزاده هارونیه، امامزاده اسماعیل. یکی از آثار جالب و نفیس دوره ایلخانی که در این محدوده قرار دارد، «مدرسه امامیه» است. مدرسه امامیه که بعد از انقلاب به این نام، نامیده می شود، در دوران پهلوی به نام «امامی» و پیش از آن، به «مدرسه بابا قاسم» شهرت داشت.

علت نامگذاری

بابا قاسم که نام کاملش ابوالقاسم محمد است، از عرفای قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری است، که در شهر اصفهان می زیست. از زندگانی وی اطلاعات دقیق و مبسوطی وجود ندارد. او در سال ۷۴۰ ه. ق، وفات یافت. در سال ۷۴۱ ه. ق، یکی از مریدانش بر مزار او گنبدی بنا کرد؛ مهلوی، رجال اصفهان یا تذکره القبور، ۱۵۴]. در زبان عوام مشهور است که آرامگاه باباقاسم محل تدریس وی بود، که بعدها مدرسه بابا قاسم در نزدیکی آن بنا شد. از آن به بعد، محل درس به همین مدرسه انتقال یافت؛ نیکزاد، نشریه اداره کل فرهنگ استان دهم، شماره ۲۷، ۳۳]. اینکه نام این مدرسه امروزه امامیه است، به دوران پهلوی (۱۳۰۴ - ۱۳۵۷) مربوط می شود. گذار [گذار، آثار ایران، ج ۲، ۳۳۶] و ویلبر [ویلبر، معماری اسلامی در دوره ایلخانان، ۱۹۷] که هر دو در دوران پهلوی آن را بررسی کردند. آن





را «امامی» خواندند. دو سند هر دو مربوط به قاجاریه [۱۱۹۳ - ۱۳۴۴] مهدوی، رجال اصفهان یا تذکره القبور، ۱۵۴. ه. ق)، یکی در اواخر حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۴ ه. ق) [اصفحانی، نصف جهان فی تعریف اصفهان، ۷۳]، و یکی در اواخر حکومت احمد شاه (۱۳۲۶ - ۱۳۴۴ ه. ق) [جناب، اصفهان، ۱۱۰]، معروض می‌دارند که نام این مدرسه بابا قاسم است.

موقعیت و معماری مدرسه و مسجد امامیه

یکی از خصوصیات مکانی این محل، آن است که در نزدیکی بازار و مسجد جامع قرار دارد. و بایستی در گذشته، اطراف آن طلبه نشین بوده باشد؛ به دلیل آنکه میرزا حسین خان در هنگام توصیف مدارس اصفهان در عهد ناصری، پس از آنکه به نام چند مدرسه اشاره می‌کند، در خصوص سایر مدارس می‌نویسد: «... سایر مدارس... همه در بازارها و محلات طلبه نشین و خوش بناست...» [تحویلدار اصفهان، جغرافیای اصفهان، ۲۰].

این مدرسه کوچک به لحاظ ساختار معماری، به سبک مدارس و مساجد ایرانی است. یعنی، چهار ایوان اصلی دارد که حیاطی، در میان آن قرار گرفته است. و چون مدرسه - مسجد است، در ایوان جنوبی، شبستان گنبدداری دارد، که تمام خصوصیات شبستان یک مسجد را داراست. در اطراف ایوانهای چهارگانه، ایوانهای کوچکی نیز وجود دارد که از آنجا، به حجره های طلاب می‌توان وارد شد. همچنین، در میان حیاط مدرسه، حوض قرار دارد. «ایوانهای شمالی و جنوبی، کاملتر از دو ایوان شرقی و غربی است...» [ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۱۹۷]. این مدرسه دارای یک دالان ورودی است که از سردر مدرسه - که در قسمت جنوبی آن قرار دارد - آغاز می‌شود، و به حیاط مدرسه ختم می‌شود. مدرسه امامیه، دو طبقه است. حجره های فوقانی و تحتانی، دور تا دور مدرسه قرار گرفته اند. «تعداد حجرات این مدرسه، ۲۳ باب است» [رفیعی مهربادی، آثار ملی اصفهان، ۴۰۳].

آن پانزدهم دی ۱۳۱۰ است [گذار، آثار ایران، ج ۴، ۲۲۴]. خانم مری کرین که بر روی این بنا مطالعه کرد، براساس کاشیهایی که در طی تعمیرات گذشته به طرز ناشیانه ای به کار رفته بود، تاریخ احداث این بنا را ۷۵۵ ه. ق بیان کرد [ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۱۹۷].

علت این اختلاف، در آن است که رقم دهگان تاریخ کتیبه مربوط به تاریخ ساخت این بنا، ساییده شده است. از این رو، صاحب نظران پیرامون آن، رقمهای مختلفی را پیشنهاد کرده اند. دکتر هنرفر در خصوص رقم دهگان این تاریخ، می‌نویسد: گویا بر حسب تصادف، قسمت آخر کتیبه ای که سال تاریخ بنا را در آنجا نوشته بودند، خراب شده و بعد به شکل بدی تعمیر شده است. کلمه «خمس» که رقم یکان سال تاریخ است، بخوبی خوانده می‌شود. رقم صدگان آن نیز اگر چه بخوبی واضح نیست، اما قریب به یقین «هفت» می‌باشد. لیکن رقم دهگان آن ناخواناست که به نظر می‌رسد، بتوان حدود آن را ۷۲۵ ق تعیین کرد [هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۳۱۰]. آقای گذار نیز تاریخی را پیشنهاد کرد، که به نظر می‌رسد این تاریخ، بیشتر قرین به صحت باشد. وی مفصلاً پیرامون این موضوع بحث کرد، و در آخر نتیجه گرفت که سال احداث این بنا، بین سالهای ۷۲۰ تا ۷۴۰ ه. ق بود [گذار، هنر ایران، ۴۳۹]. گذار در خصوص تاریخ پیشنهاد شده از سوی مری کرین نوشته است: «... خانم مری کرین، تاریخ تمام این بنا را ۷۵۵ ه. ق... دانسته است... مطلبی که

تاریخ احداث مدرسه و مسجد امامیه

این بنا در فهرست آثار تاریخی ایران، به شماره ۱۱۴ ثبت شده است، که سال احداث آن را ۷۲۵ ه. ق قرار داده اند [مهران، کارنامه ده سال خدمت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۳۱۲]. تاریخ ثبت



مدرسه می شوید. دالان تزیینات خاصی ندارد. شاید در طی تعمیرات گذشته، تزیینات آن از بین رفته باشد.

یکی از برجسته ترین ویژگی های تزیینی این مدرسه، وجود کتیبه ای زوجی است که تقریباً دور تا دور مدرسه و ایوانهای چهارگانه آن را در بر می گیرد. سطر بالا به خط کوفی با کاشی معرق فیروزه ای بر زمینه لاجوردی است، که سوره «دهر» را شامل می شود که ابتدای آن، ضلع شرقی ایوان شمالی است. و پس از گردش به دور مدرسه، در هلال ایوان بزرگ شرقی ختم می شود. و در آخر سوره، فقط جمله: «صدق الله» نوشته شده است. سطر پایین به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی، شامل



هست، این است که این تاریخ، مقارن زمانی است که در اصفهان نقوش هندسی مینایی را کنار گذاشته و با اسلوبی آزادتر روبه سوی نقوشی از گلها و برگها آورده اند. و این مسئله، در تاریخ سنر معماری ایران اهمیت دارد. از طرفی، در نزدیکی مقبره بابا قاسم، مدرسه امامی قرار دارد که نحوه معماری آن نشان می دهد که این هر دو بنا، در یک تاریخ ساخته شده اند. . . همان گونه که از سوی دیگر، تاریخ آسیب دیده و سپس تعمیر شده ای که در مدرسه وجود دارد، چنین خوانده می شود: ۷۰۰۵. و چون رقم دهگان دقیقاً معلوم نیست، نیز چنان گمان کردم که این رقم نمی تواند، جز رقم ۱، ۲، یا ۳ چیز دیگری باشد. بنابراین، مدرسه در سال ۷۲۵ ه. ق. . . یا ده سال بیشتر یا کمتر ساخته شده است. . .» [گذار، آثار ایران، ج ۲، ۳۳۵ - ۳۳۸].

تزیینات مدرسه و مسجد امامیه

تزیینات مدرسه امامیه، شامل: کاشیکاری های الوان، مقرنس و کتیبه می شود. در کاشیکاری موجود در این مدرسه «غیر از دو رنگ لاجوردی و فیروزه ای و سفید به کار نرفته . . . اگر چه تاریخ ساختمان مدرسه پیش از ساختمان آرامگاه بابا قاسم صورت گرفته است، ولی تزیینات آن، زمان سلطنت شاه محمود، از سلسله آل مظفر بین سالهای ۷۵۸ ه. ق تا ۷۷۵ ه. ق، همزمان با ساختمان صفا عمر در مسجد جامع اصفهان، به پایان رسیده است» [گذار، هنر ایران، ۴۳۹].

در ضلع جنوبی مدرسه امامیه، کوچه ای قرار دارد، و ضلع شرقی، غربی و شمالی آن متصل به خانه های اطراف است. هنگامی که از کوچه جنوبی به عمارت مدرسه امامیه نگاه کنید، برآمدگی گنبد شبستان را خواهید دید. هیئت بیرونی مدرسه امامیه از اینجا، به مانند یک ساختمان قدیم است که با خشت و گل ساخته شده، و روی آن با گل اندود گشته است. از سردر جنوبی که وارد می شوید، پس از عبور از دالان تاریک وارد حیاط روشن

سوره فتح است که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی است و به آخر هلال ایوان کوچک دوم ضلع غربی ختم می شود. و در آخر این کتیبه، سال تاریخ آن که ناتمام و ناخوانا است، نوشته شده است [هنر فر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۳۱۰].

تزیینات ایوان جنوبی که در ضلع جنوبی مدرسه قرار دارد، از خارج به داخل بدین قرار است: در قسمت بالایی ایوان رو به حیاط، دولچکی در سمت راست و چپ به قرینه یکدیگر کار شده، که بر کاشیهای آن نقوش گل و گیاه ترسیم شده است. در قسمت بالای داخلی ایوان، مقرنس کاری وجود دارد. «در داخل مقرنسهای ایوان. . . در یک مربع کوچک به خط بنایی فیروزه ای معرق، بر زمینه آجری نوشته شده است: «محمد»، «وعلی». در



از کتیبه های جالب دیگری که در ایوان قرار دارد، کتیبه ای است که نشاندهنده دو اعتقاد تشیع و تسنن است؛ بدین صورت که نامهای عشره مبشره در شمشه ای فراهم آمده، و در اطراف آن صلوات بر چهارده معصوم نقش شده است. «این اجتماع کسانی است، که عده ای مقبول اهل تسنن، و جمعی مورد علاقه شیعیان هستند. در یک محل، چیزی که بر حسب معمول نه قبل از عصر آل مظفر و نه بعد از آن دیده نشده است. و فقط در این دوران می توان شاهد آن بود. بوضوح می رساند که بخشهایی از نمای مدرسه امامی که این مسئله در آنجا رعایت شده، همزمان با تسلط بی واسطه و مستقیم آل مظفر بر اصفهان؛ یعنی بعد از سال ۷۵۹ ه. ق بوده است» [گذار، آثار ایران، ج ۲، ۳۵۰-۳۵۲].

در اطراف ایوان شمالی، دو ایوان کوچک نیز وجود دارد که در داخل ایوان کوچک شرقی، به خط بنایی با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نوشته شده است: «الدنيا ساعة وجعلها طاعة». در ایوان کوچک غربی آمده است: «الله»، «محمد» و «علی». دو ضلع شرقی و غربی مدرسه امامیه با داشتن دو ایوان اصلی و چهار ایوان کوچک در جانبین، قرینه یکدیگر محسوب می شوند. بیشترین حجره های طلاب، در این دو ضلع قرار گرفته اند. تزیینات ضلع غربی، شامل کتیبه، کاشی و مقرنس است. کتیبه های این ضلع عبارتند از «الله ربی»، «لااله الاالله»، «محمد نبی»، «یا الله»، «محمد حبیب الله» و «علی» تزیینات ضلع شرقی مدرسه امامیه، شامل: مقرنس، کاشی، معرق و کتیبه



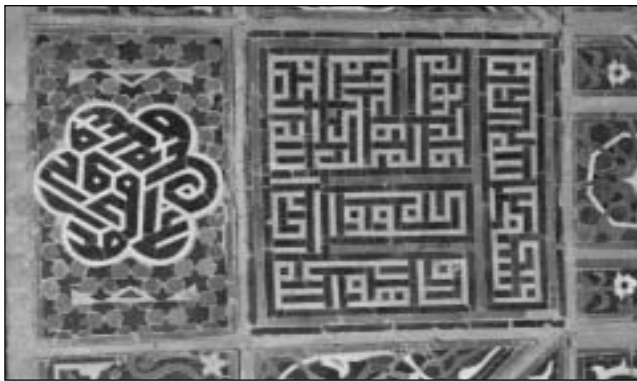
قسمتهای پایینی ایوان جنوبی به خط بنایی لاجوردی و فیروزه ای بر زمینه آجری، تکرار جمله: «والله اکبر» است.

در کوچکی در ایوان جنوبی وجود دارد، که درست رو به روی محراب شبستان - که دیگر وجود ندارد - است. محراب این شبستان، هم اینک در موزه مترو پولیتن آمریکا نگهداری می شود. «تزیینات این محراب که نماینده صنعت سفال موزائیک کاشی معرق» در دوره مغول است. . . .» [دیماند، راهنمای صنایع اسلامی، ۱۹۵]. شامل طرحهای گیاهی و کتیبه می شود. حاشیه این محراب به خط معرق سفید بر زمینه لاجوردی است، که آیات ۱۴ تا ۲۲ سوره توبه را در بردارد. این کتیبه از پایین سمت راست آغاز می شود، و در انتهای سمت چپ محراب ختم می گردد.

دومین کتیبه، خط کوفی و با احادیثی از پیامبر (ص) است. سومین کتیبه، به خط شکسته است که در داخل یک مربع قرار دارد، و در مرکز تو رفتگی محراب است. «رنگهایی که در این کاشیکاری موزائیک به کاررفته است، عبارت است از: سفید، آبی، آبی فیروزه ای، پرتقالی و سبز. زمینه به طور کلی، آبی است؛ به طوری که طرح و اشکال تزیینی روی آن، به طرز خاصی جلوه می کند. و این سبک از خصایص دوره مغول است» [دیماند، راهنمای صنایع اسلامی، ۱۹۶].

بر دیوار شمالی واقع در زیر گنبد، در یک مستطیل به خط بنایی با کاشی معرق لاجوردی بر زمینه سفید، نوشته شده است: «عمل الشیخ محمد عمر». در رأس قسمت داخلی گنبد، به خط بنایی با کاشی فیروزه ای معرق بر زمینه آجری، این عبارت آمده است: «قال الله عزوجل: عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً» [هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۳۰۹].

ایوانهای شمالی و جنوبی، کاملترین ایوانهای مدرسه اند. البته، باید اذعان داشت که به لحاظ سلامت، ایوان جنوبی از ایوان شمالی سالمتر است. کتیبه های ایوان شمالی عبارت است از: «لااله الا الله محمد رسول الله حقاً»، «سبحان الله و الحمد لله و لااله الا الله و الله اکبر»، «سبحان ربی الاعلی و بحمده»، «سبحان ربی العظیم و بحمده»، «العظمة لله»، «سبحان الله الفرد الصمد»، «سبحان الملکوت»، «الله ربی»، «محمد نبی»، «الحکم لله»، «الحمد لله»، «محمد»، «ابوبکر»، «عمر»، «عثمان»، «علی»، «حسن» «حسین»، «عمل الشیخ»، «محمد بن عمر»، «الدنيا داحة و ترکها راحة» و سوره اخلاص.



می شود. کتیبه های این ضلع عبارتند از: «و محمد»، «و علی»، «و حسن»، «و حسین»، «قل استغفرالله»، «الملک لله»، «اکبر»، «الصلوه نور المؤمن».

خراب و به سبک قدیم ساختمان شده...» [نشریه اداره فرهنگ استان دهم، شماره ۱۰، ۴۲-۴۳].

متأسفانه، این گزارش مجمل است و به ما نمی گوید که چرا دالان مدرسه را خراب کرده اند و این تخریب و باز سازی، زیر نظر چه کسی صورت گرفت؟

گزارش دوم در همین سال، می گوید که تعمیرات و باز سازی در این مدرسه ادامه یافت، و در بهمن سال ۱۳۳۵، قسمتهای دیگری از این بنا تعمیر شد: «کلیه طاقهای دالان این مدرسه با آجر و گچ ساخته شده، و خرابه های پشت دالان مزبور به ساختمان آبرومندی تبدیل گردیده، همه طاقها پوشش شده، و روی پشت بامها شفته ریزی و اندود کاهگل به عمل آمده، و پله های سنگی مورد احتیاج این قسمت تهیه و نصب شده است» [نشریه اداره فرهنگ استان دهم، شماره ۱۳، ۴۳-۴۴].

در گزارشی که در سال ۱۳۵۲ از این مدرسه داده شد، آمده بود که بیشتر حجره های فوقانی آن، ویران شده است. [رئیس مهربان آبادی، آثار ملی اصفهان، ۴۳۳].

گزارشی دیگر که مربوط به سال ۱۳۵۵ است، به ما می گوید: این مدرسه، متروک و در حال ویرانی است [ایمانیه، تاریخ فرهنگ اصفهان، ۱۷۲]. در حالی که در گزارش ده سال خدمت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، آمده است که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، مبلغ ۲۰۸/۵۶۳ ریال، صرف تعمیر در این بنا شده بود [مهران، کارنامه ده سال خدمت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۴۲].

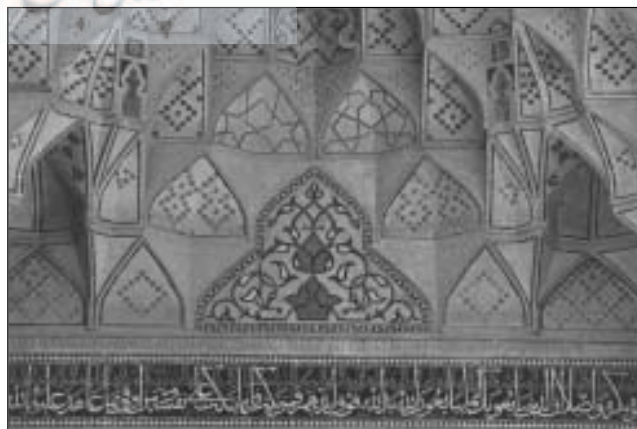
پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خاطر رویکرد به ارزشهای اسلامی و عناصر آن، به این مدرسه توجه شد. هم اینک، این مدرسه زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، از سوی آیت الله سید حسن فقیه امامی اداره می شود. تا سال ۱۳۷۴ کف مدرسه خاکی و فاقد سنگفرش بود که با مشارکت طلاب، کف آن سنگفرش گردید، و حوض سنگی در وسط آن ساخته شد. تعمیرات زیادی از سال ۱۳۷۴ به بعد، در این مدرسه صورت گرفت که برخی از آنها عبارتند از: تعویض درهای حجره های پایین، تعویض سنگهای خارجی رو به حیاط ضلعهای: شمالی، جنوبی، شرقی و غربی مدرسه، تعویض پنجره های حجره های فوقانی و فلزی کردن آنها، باز سازی مقدار زیادی از کاشیهای ریخته شده، کشیدن آب، برق و گاز شهری، و تعمیر راه پله ضلع شمال شرقی مدرسه. در حال حاضر، در این مدرسه کلاس درس تشکیل نمی شود

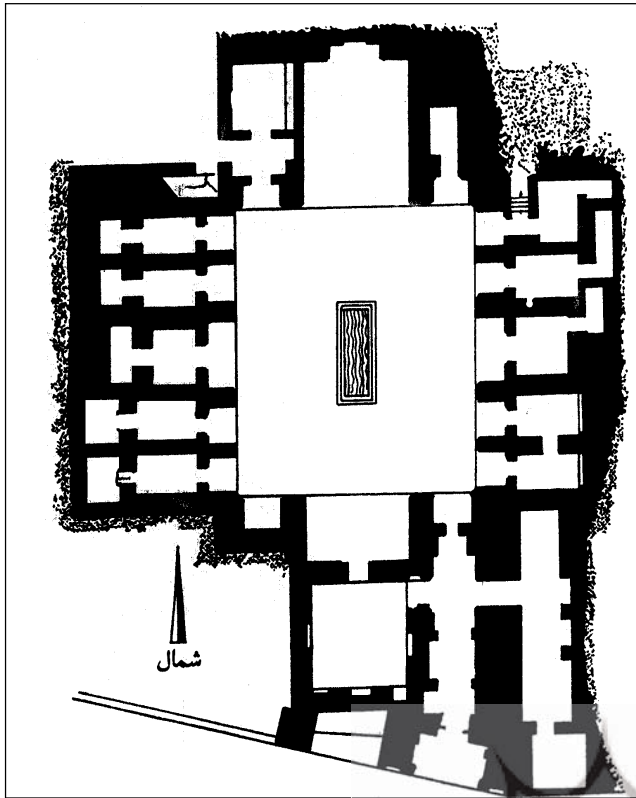
وضعیت مدرسه و مسجد امامیه در گذشته و حال

از آنجا که مدرسه امامیه در گذشته و حال یک مرکز آموزشی بوده است، می توان استنباط کرد تا زمانی که خالی از طلبه نبود، رونق داشت. مسلم است که در ابتدا، دروس فقه تسنن در این مدرسه تدریس می شد. پس از آن در زمان صفویه، فقه شیعه در آن رایج گشت. در دوره قاجاریه، این مدرسه رونق داشت و مورد توجه بود. در گزارشی که محمدمهدی اصفهانی از این مدرسه می دهد، مشخص می شود که این مدرسه با وجود مساحت کم، به مانند دیگر مدارس کوچک تلقی نمی شد. وی می گوید: مدرسه متعارفی است بسیار محکم و دو طبقه... بنایی آن بسیار خوبتر از بسیاری عمارات پیش است. دیوارهای آن بلند و فضای آن کم است و با وجود آن، دخلی به اکثر مدارس کوچک ندارد...» [اصفهانی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ۱۷۳].

معلوم نیست که در اواخر سلطنت ناصر الدین شاه تا اواخر حکومت احمد شاه، چه اتفاقی افتاد که مدرسه به وضع فلاکت باری دچار گردید. یکی از محققان پایان دوره قاجاریه، هنگامی که به توصیف این مدرسه می پردازد - برخلاف دیگر مدارس که آنها را شرح و بسط می دهد و آمار طلاب آنها را ذکر می کند - فقط می نویسد که مدرسه بابا قاسم، یکی از مدارس قدیم اصفهان است، ولی در حال حاضر سکنه ای ندارد [جناب، الاصفهان، ۱۱۰]. این گفته تا حدودی دلالت دارد بر اینکه در اواخر قاجاریه، این مدرسه رو به ویرانی گذارده است.

در سال ۱۳۳۵، دو گزارش از این مدرسه داده شد. در گزارش اول که مربوط به آبان همان سال بود، آمده است: «پی بندی اساسی ایوان شمالی مدرسه امامی که قبل از اقدام بیم فروریختن آن می رفت، خاتمه یافته و سقف و دالان مدرسه





طلاب در نظر گرفته شده است. ۲۴ نفر طلبه در ۲۳ باب حجره جای دارند که از شهرستانهایی همچون: اصفهان، جرقویه و خمینی شهر در آنجا سکونت دارند. در ماههای رمضان و محرم، و همچنین روزهای پنجشنبه و جمعه مدرسه تعطیل است. البته، نمی توان کتمان کرد که همه تعمیرات انجام شده، بر اساس و اصول درست مرمت بود، لیکن باید بر این نکته نیز پای فشر که زنده ماندن اماکن مقدس مذهبی، به دلیل رونقی است که داشته اند و دارند. به همین دلیل، استفاده آموزشی از این مدرسه در حال حاضر، برای حفظ و پاسداری آن مغتنم است؛ چرا که اگر این مدرسه بی سکنه می بود، چه بسا به سرنوشت بسیاری از آثار که رو به فراموشی می رود، دچار می شد.

منابع:

۱. ابن اثیر، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران
۲. الاصفهانی، محمد مری بن محمد رضا، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۸
۳. ایمانی، مجتبی، تاریخ فرهنگ اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۶
۴. پوپ، آرتور، ایهام، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدیقی افشار، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگان ۱۳۷۵
۵. همو، هنر در گذشته و آینده ترجمه عیسی صدیق، تهران، مدرسه عالی جهانگردی و اطلاعات، ۱۳۵۵

۶. تحویلدار اصفهان، میرزا حسین خان پسر محمد ابراهیم خان، جغرافیای اصفهان، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲
۷. جناب، محمد علی، اصفهان، به کوشش عباس نصر، چاپ اول، اصفهان، انتشارات گلها، ۱۳۷۳
۸. دوری، کارل. جی، هنر اسلامی، ترجمه رضا بصیری، چاپ اول، تهران، انتشارات یساولی، ۱۳۶۳
۹. دیمانند، م. س، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶
۱۰. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲
۱۱. زمرشیدی، حسین، معماری ایران، اجزای ساختمان و مصالح سنتی، چاپ اول، تهران، انتشارات زمر، ۱۳۷۴
۱۲. گذار، آندره و دیگران، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، چاپ سوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵
۱۳. همو، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸
۱۴. مهدوی، سید مصلح الدین، رجال اصفهان یا تذکره القبور، اصفهان، انتشارات ثقفی، ۱۳۴۴
۱۵. مهران، محمود، کارنامه ده سال خدمت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران، سازمان حفاظت آثار باستانی، ۱۳۵۵
۱۶. نشریه اداره فرهنگ استان دهم (اصفهان)، «گزارش تعمیرات»، سال دوم، ۱۳۳۵، شماره ۱۰.
۱۷. نیکزاد امیر حسینی، کریم، «مقبره بابا قاسم»، نشریه اداره کل فرهنگ استان دهم (اصفهان)، سال چهارم، ۱۳۳۸، شماره ۲۷
۱۸. ویلبر، دونالد. نیوتن، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵
۱۹. هنر فر، لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات ثقفی، ۱۳۵۰

